

برقم پانز - مبل - بروی
از بروی کافه زاله .

لیات پردآمد و حق تمیز
بلا ح قانون مالیات پردآمد

بودجه سال ۱۳۲۰ کلیه
یشهوران - صاحبان مشاغل

لات آنها متمول مالیات بر
و پیشه وران جزء مکلفند

د رانست پدرآمد سال پیش
د از این رو توجه مشمولین

ها خاطر نشان میشود که در
مالیات متعلقه به ادارات و

اغل آزاد . صاحبان مستغلات
ات پردآمد دیگری نیز دارند

ت تحصیل ولی میزان درآمد
مینماید و بطور کلی سایر

ات پردآمد تهران واقع در
ب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ که

ترا به نرخ مجموع درآمد
در خیابان شاه محل اداره که

ده دارائی مالی محل اقامت خود
ی ۱۵ تیرماه ۱۳۲۱ میباشد

از نامه و حساب سود و زیان
دفتر کتر به اداره شرکتها و اق

برستانها به اداره دارائی مالی محل
آگهیهای عمومی و انفرادی

رح در این آگهی تسامح نموده
سلیم نمایند درآمد آنها از روی

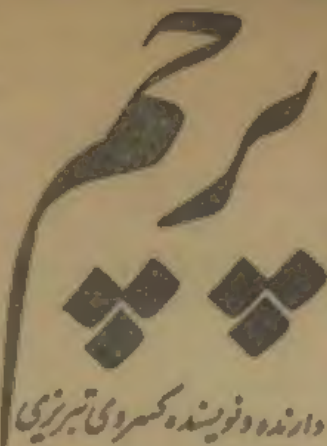
ت علاوه بر مالیات مشمول
ابر مالیات پرداخت نشده است

کل مالیات مستقیم
نیازمندان پذیرائی

دهای نفتی ایران
و مصرف کنندگان

ت انگلیس و ایران
نیاز خود را مرتفع

ب در مرکز پیوسته
نیازمندان پذیرائی



وزارت درونیه کسروی تبریزی

بهای اشتراک
۵۵۰۰ ریال نقد ماهه ۲۰۰۰ ریال
۵۰ ماهه در همه جا ۵۰۰ ریال
بهای آگهی
هر سطر ۱۰۰ ریال نقد ماهه دوم ۲۰۰ ریال
نقد ماهه چهارم ۲۰۰ ریال

جای اداره
جای ۱۵ هزار کجوه تهران پادشاهی
لای ۶۰۴۹
تک شماره پت ریال

بازارگران و آدمکشان بنفشاید

چنانکه خوانندگان میدانند آن هتایی از تهران روانه آذربایجان گردیده که مرشای بودند و اکنون در راه میباشند . اینک میخوانیم چند صحنی یا آن صیاهان برانیم . میخوانیم صحنی بایان برستم .
میخوانیم میگویم : ایوانان که شک بدوش انداخته و برآه آورده اند ، ای انسانی که شش بکمر بسته آهک سفر کرده اند ، میدایه بکجا می روید ؟ میدایه بکجایه باید کنید ؟
بدایه ای جوانان ، ها برای کینه جویی می روید . می روید که کینه برانوان و خواهران خود را بپوید . بکینه با مردان بفرات شای و تودشالطه رسیده اند . می روید که آن لطمه را جبران کنید .
شای می روید که با یکدمت راهزنان و نزاراجگران با کسی جنگ کنید . باید با آنها بنفشاید باید رحم از دلهای خود بیرون گردانید . باید رسته شرارت را براندازید . باید بیاد آورید که آنانی یکی از کوچک و بزرگ رحم نکرده اند و بزنان بیست و پا و کودکان قانون گویی گفته اند و چنانچه اند . کودکان غیر خواهر را کشته گبواره های خون آلود را شواج برده اند ، از زنان برای آنکه جایگاه دین را بر سرشته بنشانیان بریده اند .
بدایه شای فرشته احساسات سراسر توده همدید و باید در آنجا ساندید غم توده باشید . بدایه چشمهای مردم در هر کجا بسوی شماست که از رفتار و کردارشان آگاهی یابند و از کینه جوییهای شاد دل غمگندانه .

یک چرخه شای باید آگاه باشی آنست که در شهر هاییکه در سر راه شماست ، و در میان رزاشیه یکدمت ناردانی هستند که با آن غارتگران همدست و هم اندیشه اند . هوسندان بست نهادهای که بکمان خود حزب دوست کرده اند ولی چون هیچ کار دیگری از دستشان برسی آید به هم زدن رسته آسایش و ایمنی می گویند و از اغراض پشتیبانی می نمایند . کسانی از ایشان بشاگردیک خواهند شد و با زبانهای گوناگونی بر پشت شای خواهند پرداخت . گاهی از بدبیا و سنگریهای مأمورین زمان بپولوی سخن رانند و این شرارت اشرار را نتیجه آن خواهند شد . گاهی از دولت گویی به گمراه اشرار را در کاریکه کرده اند دین نشان خواهند داد . گاهی از اهمیت نسبه کاسته چنین باز خواهند بود که جز یکدستان کوچکی نبوده پس از همه اینها ، اگر از شای روی دیند بهر نشان دعوت خواهند کرد .

اینها یک بنشایه و بدایه که خود شرکای اشرار می باشند . بدایه یکدمت بست نهادهای که چون یکی از دستشان برسی آید بی پرده پرداختند . بدستان حزب ساخته اند ولی چون کار دیگری نی تواند یکدمت رفته کشور می گویند و با نزاراجگران و آدمکشان کرد و آسوری همدستی می نمایند و در راه می رویم فریب آنها را نخورید . در راه می رویم بر نزاراجگران و آدمکشان بنفشاید و یکدمت رفته آنان بگویند . در چنین هنگامی و در برابر چنین آمدی رفتار شای در آید آنرا بپایان نماند و باید چاره انداخت . اگر شای را وای این و آن نگویید و بفرستید و در راهی که نشان داده بر اشرار را بگویند تا دیری شرارت در آذربایجان دیده نخواهد شد . ولی اگر شای سستی نماید و با اشرار مدارا کند روز بروز بکسانی و دلیری آنان خواهد افزود و از جا های دیگر نیز اشرارها بدیده خواهند آمد و یک آهنگی مرکزی در آذربایجان رخ خواهد داد .

در پایان روی سخن را بر سر یک مین فرماید . نی بر گردانید می گویم . آنگاه سرخک اینتر برای شای فرصت که شایستگی خود را نشان دهد . فرصت که در دلهای ایرانیان جا برای خود باز کند . ما یک میدایه شای در اینتر با دشواربایی رو برو خواهیم کرد . باید باورش و جرمه خود بدشواربیا چیره دو آید .
این یک شکی برای ابراست که در چنین هنگام جهان یکدمت راهزنان بنفشاید آن و شکاربیا ریشزد و از کتر بر کتر مانده . شای نباید چنین شکی زن در دیند و باید بهر بهایی که بر آید شرای سندان را بکنارشان نیاید .

آنگاه سرخک ، شای میدایه که در این کشور چه تیره های هستند که هیچ با صده آسایش و خوشی می دیند و همیشه بدبختی و ویرانی این کشور را میخوانند . اکنون آن تیره ها چشم راهت که شای در آنها کاری از پیش نبرد و ایشان در هر کجا که هستند زبان برینصد و شجاعت باز نمایند . با کرداری و دلیری خود زبان بدشواربیا را بست دارند .

قتل و غارت در حومه شاهپور

آقای کسروی دارنده روز نامه پرچم خواسته شد تمدن فرمایید موضوع بایست را به نام (قتل و غارت در حومه شاهپور) در آن جریده برج و منتشر نمایند که تا برانوان ایرانی از حال و اثر مردم آسایان مطلع گردند .
روز شنبه ۱۲ اردی بهشت ماه ۲۱ در حدود

چهار صد متر از آکراد محال صوبی برادر دوست تحت ریاست و رئای طایفه شان ۱ - قوتل حیدی ۲ - مرتب شکاک ۳ - حیدی ابوری ۴ - حاجی اطالی ۵ - محمد آقا یازکر ۶ - حور کلوهی ۱ - حای آقا شک و غیره و غیره بصدف فرم باغ نوشی - بویادی از چندین محل باغالی بی دفاع که با سودگی مشغول فراغت و پرورش اقامت و اقامت خود بودند حله و در هجوم آورده در ابتدا یک نفر بدمره سالخورده را از زندگانی مطلق و با شربت گلوله بپایان آید میفرستد سلاح آکراد که عزت و انگیزهای مختلف و مسلسل سنگین و سبک و بارنگ بای دشتی و نورانکن و اسلحه کسری بود ، اهالی بیچاره که از این مذبذبه چینی و نیبه فانی آکراد بی فاعل بودند باینکه شک اساط که از خود آکراد بر داری نگریه بودند باینکه اهلی محل بتمام دفاع باینکه آکراد نالیده باز چلی گذشتی حالات خود را خدیدا ادامه میدهند اما در نتیجه رشادت و قدا کتری بی پایان امیه ها و اهالی محل اشرار جرئت بیش آمدن و قدم جلوتر گذاشتن را نیکند بلاشهر را بخورد طریق تا ۲۴ ساعت ادامه پیدا میکند . حاجت شهر شاهپور هینکه از این موضوع ناگوار

ی . آ

نقد آفای شجره

جانب ادب را نگاهدارید

امروز میخوانم و اجم یک مسئله خیلی جزئی و پیش پا افتاده باشا دو کلمه صحت کنم آیا توجه کرده اید دو این هنگام که هوا گرم شده و رعایت نظافت بشود بهداشت بیش از پیش لازم میباشد اغلب دیده میشود بایک عادت سیل انگلی مردم از وطنی که باید انعام بدخته خودداری میکنند و ازین رهگذر برای خود و دیگران اسباب زحمت فراهم میآورند ملاحظه کنید یک عادت سیل زشت و نادرانی گریبان گیر اغلب مردم شده است و این عادت رفت رفت جیوع پیدا میکند در صورتیکه و این منحصی آنرا منع نموده است ولی روح سیل انگاری باعث شده که این اصل مهم را در اغلب اوقات رعایت نمیکند بنده این سستی و بی احتیاطی باصول مهم دینی و اجتماعی را چه چیز باید حمل کرد یکی از محترمین قل میکرد که ملاحظه نموده و حاجی که شهرداری مترشح ساخته که برای فضای حاجت باید مردم با نبار آورند بعضی مردم بی احتیاط کتو خیابان و در محل رفت و آمد عمومی بسبب خلاف ادب میفرست نموده نظیر این بی ادبی زیاد دیده میشود اگر بگویند در شهر پاندازه کالی برای اینگونه امور ساخته نشده اینطور نیست سابقا شهر داری برای دفع این عیبه اقدام باخشان های خصوصی نمود ولی بی احتیاطی مردم و رعایت نشودن حاجت ادب کار را بجائی رسانیده که از آن سختنایا مجبور شده صرف نظر نمایند حقیقا فرم آورست انسان ناچار شود و اجم پالت پای زندگانی اجتماعی صحت کند اینها مسأله است که باید هر کس بداند و خود را موظف بانجام آن بداند متأسفانه چون تربیت تمیم نیلکه باید تمام مسائل جزئی را باید یادآوری نموده و دوسری که همه باید بیاموزیم درس احتیاط اجتماعی است .

امروز از اقراوریکه اطلاع حاصل شده شهرداری اغلب محل های عمومی مناجد و تعمیر نموده باین منی که برای دفع یک چنین عیبه شهرداری از عادت عمومی بیروی نموده و کوشیده است بواسطه تعمیر و آباد نمودن محل های عمومی مساعدیلاتی برای مردم فراهم نماید ولی بسایر مقصه اجتماعی و بی احتیاطی برسم که مردم غلوه را موظف نمایند از احتیاط خارج نشوند تیدم لکت و وائلسانی را که یکی از دانشندان اظهار میداشت توجه نموده اند شای میگویند احتیاج منیب یک چنین سوء ادب در محل های عمومی میشود حلیف بطوریکه آکراد صاحب نظر اظهار میداشت غیر از اینست ملاحظه کنید فقط مردها آیم مردها و بر های بی تربیت مرتکب این سوء ادب می شوند و هیچ دیده نشده است از یک خانم چنین اسامه ادبی دیده شود میدایه چرا ؟

برای آنکه آن خانم اونکاب یک چنین سوء ادب را در کلرهای عمومی خلاف نشود خودمیداند و این کار را خلاف ادب میشارد بنا بر این هیچ فنی حاضر نشود از نظرات و نظافت دست بردارد و حتی خارج از حدود ادب میفرست باید اعلان آدم بی احتیاط برچوبه ای بانه به قوانین و رسوم نیست و ریندازد و کفرها باید کثافت کاری کرد .

شایه برای بعضی اشخاص عبادی آداب و عول یکی از دوستان برای طبقات عذر مای بیان این حقایق بیورد بشر برده میخوانم بنام گفتن این مطالب را اگر خارج از آداب تلقی میگانه چنین احتیاط و احتیاط و احتیاط را بگویند تیدم لکت و وائلسانی را که یکی از دانشندان اظهار میداشت توجه نموده اند شای میگویند احتیاج منیب یک چنین سوء ادب در محل های عمومی میشود حلیف بطوریکه آکراد صاحب نظر اظهار میداشت غیر از اینست ملاحظه کنید فقط مردها آیم مردها و بر های بی تربیت مرتکب این سوء ادب می شوند و هیچ دیده نشده است از یک خانم چنین اسامه ادبی دیده شود میدایه چرا ؟

روانشناسی برای ما این حقیقت را روشن نموده است که هر صلی که میخوانیم آنرا از گویند باید به نتیجه بشود فرماده قوای خوروی بلیف شاهپور از این حله به اطلاع پیدا نموده باخان فرماده مایه و آقای صدق از محل و قرق قشیرده خانه و امرع میدایه بالاخره آکراد ظلم کار اینجا گذاشت ۳۰ نفر کشته و دهه میروح مراجعت میساید عموم بی و حاله و حرکت و حیاتی این مردان زبان دزدل مردم شاهپور و دهاتیان را مضطرب و پریشان نمودن ترس و هراس در روحه اهالی بدرجه حاکم شده بود که اندازه داشت . البته اهالی حق دارند از جان و مال و ناموس خود در واهمه باشند زیرا از طرف امیه شاهپور که همه آن متجاوز از سلازمان یک گروهان بود جزئی ترین و کترین اقدامی شده و از جای خود تکان نخورده وحشت نکردند اگر فرماده امیه شاهپور جزئی امیلی از خود بخرج میداد صدقه اشخاص اهل شاهپور و حوالی آن از جانب و دل حاضر بستیا درجه غذا کاری و جان بازی درواه خلط هم نولان و برانوان اسلام خود با از بوالآلات که در اختیار داشته بودند آتوت فرماده امیه می نوانست آکراد متخرف را بکفرته ریشه کن نموده دل مردم و فکر دولت را از این موضوع آلوده نماید و بصلیت خود هم فقر و سادست نموده در مقابل رئیس امیه آذربایجان سرخک هاشمی جلوی بدیه شاهپور بی طی فریادت بگوید . حال ما بنیم از اهال و سستی امیه محل آکراد چه اندازه جاسر و جری شده در آیمه بالای جان مردم آیم حومه خواهند شد .

نگار اف از میانه

توسط آقای فرمانفرمایان نماینده معتمد دار .
الشورا دوتویس وزارت دفتری دوتویس پرچم در نقیب عرضه قلی چسارنا مره میآرد با اینکه وضع مالیات صدی سه برای رقام حال دارین میباشد قانونا صرف خوراک و علوفه حیوانات از پرداخت مالیات معاف فقط ملزاد محصولات از سین و رود شهرهای مالیات شرفه پرداخت نموده و در کان هم خوراک درود بینه مالیات شرفه را از پرداخت بی سالیق شمه دارائی . میانه بر خلاف قانون برای استفاده مساموین در قریه اخلاق شرفه صدی سه تشکیل نموده از صرف خوراک و علوفه حیوانات زارین مالیات اخذ میساید در صورتیکه ساکنین دهانمره تا سارا زارع بوده و کس دیگری ندانند درواز اخلاقی باید تا سارا زارین از زارین قانون استفاده نباید میساید بیکست و بیست و چهار که در دهانمال دجله زارین بعضی وضاحت شده

شادروان عارف قزوینی



میرزا آبراهیم عارف قزوینی از کسانیکه با یک شای در تاریخ مشروطه میانه . اینتره اگر چه در آغاز جنبش یا در میان نهافت . ولی سپس که بان دو آمد یکی از جانشانان گردید و با زبان و شعر خود کسب کرد . سپس در کوچیدن از تهران با دو کرانها همراهی نمود و تا استانبول رفت . عارف همچون دیگر شاعران گشته های بیپوده سیار داشت . ولی دو شوی او را یک مرد ارجمنی می گردانید : یکی آنکه با کمون و گردنراز بود و در آن کوششهایک می کرد از کسی پول نیخواست و دو یی سودی سی بود . از ایزو همیشه نیبست و سیفانان می تربت . در آخر های عمر خود که در همدان با سخن برسی برد از کسی پول نی پذیرفت (نی گویم) شای خواست می گویم . سی پذیرفت . دیگری آنکه مرد دلیری بود و در گفتن و شنیدن برای این و آن نیبکرد هر چه را راست می پنداشت می پذیرفت و بشاوره دنیای بی کرد (در گفتگو از عارف و همدان بند شادروان فریدالدوله می آید . هر کس از همدان یا از ادبگران عکسی از او دارد برای ما بفرستد) .

مبارزه با خرافات

سکند و مرا بیکست پس از منی ورد خودن کره بکمان دست خود را برد نوی کتاب و گفت خود پاش امام یار مردم . رحیم کی . مرا کشته . دست و دانت مبارزید من چند و یان پول دادم دستش را چون یاور د مقاری شد دادم دستش چون شد ازای آورد . گفت ارضی شده دست مرا رها نی کنه من دیدم او خلع بایی وضع و قرار داری مشکل میشود و این تلگی با این تربیت میخواند هر چه ما در خانه داریم بگوید و مرد من وقت پشت سر فالگیر دستش را گرفتن از کلمه بیرون کردم دیدم سالم و هیچ عیب ندارد . همین تربیت حله بازی فالگیر معلوم و هر چه بد داده بودم پس کردم و بیرون کردم

۱ - بلحال چه من بیچاره بود و من بی اندازه برقرار بودم روزی سه مرتبه خدمت آقای دکتر کشاورزمیرم پس از یک هفته بیماری بهی رانشخص داد نا امید و مایوس شده در باین چه گرفت و الاان و بریشان و یغادر بودم مردها و زنها جمع می شدند و میرفتند و من از مکالمات آنها چیزی نی دیدم گویا بیا تصمیم میگیرند که بروند منزل اما میرا هاشم که در بیرون دروازه شیران برای دعا نویسی معالی نیبه نموده و نابلزوده و فصل و زیت میکند ۲۰۰ ریال پول میگردد بران را بگویند و دهه بگیرند

آقا میرزا هاشم میرزا بدلان کوی وقلان گوچه بر ری دست در گروی بهی داه برخال بوست نمده و غیره مانده است باید این بری دن حاضر شود و خورآورده معلوم و بعد خانم دیگر میروند و منزل بری دن را پیدا میکنند - بکوت دیده بکفر بری دن دو منزل من حاضر گردید و استیبا را با لالزاد بهی را که ۱۱ درج به داشت دست گرفت از جلو سوراخهای بیتی با دهان شروع بصدین نمود پس از مدتی مقداری آشتال از قبل استخوان خرده و بوست نیم کسو و دهه بری غل و غیره دو کت توانای خود گرفته گفت اینجا بودند که بهی را باین روزگار انداختند من شای قول بدهم که الاان به بیبایان میآید من پس از ششماه اوضاع سحر انگیز من و مسوت شدم هر چه فکر کردم ظلم باینی برصیه خلاص ۵۰۰ ریال گرفت و رفت روز بروز بهی بهی شد آقای دکتر برویتی آمدند میآری را که حصه تشبیس دادند آقای دکتر غرب مزاحه تشبیس آقای دکتر برویتی باید گردید گویند سخن بهی ۴۰ روز گرفتار میآری حب شده آخر الامر معلوم شد آقای میرزا هاشم بخر حله سلازی جزی می داد

۳ - هر که از خدایا را شیده ام که بری از سال زانوینی بهی داشت و دو طلب آن از هیچ انعام خود داری میگرد روزی فالگیری سزلزاد میرسد و میگوید بگو بستم چایچه داری خانم شرح گرفتاری خود را بیان میکنم فالگیر میگردد من ۱۱۰۰ ریال میگوید و کاری میکنم که شای چه داشته

۳ - هر که از خدایا را شیده ام که بری از سال زانوینی بهی داشت و دو طلب آن از هیچ انعام خود داری میگرد روزی فالگیری سزلزاد میرسد و میگوید بگو بستم چایچه داری خانم شرح گرفتاری خود را بیان میکنم فالگیر میگردد من ۱۱۰۰ ریال میگوید و کاری میکنم که شای چه داشته

